

اعتماد بنفس

بررسی تاریخ «آموزش و پرورش» نشان میدهد، که در هر دوره و عصری دانشمندان تعلیم و تربیت برای آموزش و پرورش هدف خاصی در نظر گرفتهاند. پاره‌ای از این هدفها ناشی از هدف و عقب اندادگی اجتماعات بوده‌اند، مثلا اجتماعاتی که برای رژیم ابتدایی ابزار، میشدند برای رها ساختن جامعه از ابتدای هدف خود با پرورش افراد آزاد و اجتماعات برپشان، هدف خود را پرورش افراد کامل و بالاضابط قرار میدادند. از باب نمونه میتوانیم جامعه ایران را مثال بیاوریم، در ایران قبل از اسلام، اگرچه مقتضای اوضاع سیاسی و اقتصادی، هدف آموزش و پرورش، مستحوش تحولاتی شده، ولی بطور کلی میتوان گفت که در همه اقسام، پرورش، اعتقاد بخدا، اخلاقی بستند، آشنایی به پست و هنر و تندرستی، مورد نظر بوده است، لکن در هر دوره‌ای این هدفها رنگ و شکل خاصی بخود گرفته است. پس از اینکه فتنه مغول و تاتار، فرونشست و بار دیگر مردم ایران، توانستند نفس راحتی بکشند و بفکر تجدید حیات فرهنگ، افتادند، علاوه بر آنچه گفته شد، هدف آنها از آموزش و پرورش، عبارت بود از: «خوشنوداری و حرمت از قبایلی و جلوگیری از شیوع فساد و فحشاء ایرانیان، برابری بینین باین مقصود در برابر فرمانروایان فاتح اظهار انضاد کردند، کوچکترین سلت او را که ممکن بود منحرف شوند، بسیار زرنگ کردند و در آن مبالغه نمودند، تلق و جاپالوسی را بجدا جلا رسانیدند، البته از این راه رفیقو فتنه بمقصود خود رسیدند و از نظر فرهنگ و اخلاقی و آداب و رسوم فاتح چیره شدند، ولی اطمینان برقرار مافوق و عدم سرحات لحد و گرافیکونی خست شد...» (۱)

در باره هدف آموزش و پرورش نظریه‌هایی اظهار شده، کتبه کسب «قابلیت اجتماعی» و «پیش خیریت دارند»؛ «رشد طبیعی»؛ «قابلیت اجتماعی» و «بسط شخصیت» دولتی به نخت، مورد اتفاق قرار گرفته، زیرا اگر صرفا، هدف، رشد طبیعی طفل باشد، محیط اجتماعی طفل تأیید گرفته نمیشود، درحالیکه نوعا و شور سیات، با تمام مظاهر و جلوه‌های خود انسان را محاسره کرده است. مطالعه زندگی اجتماعی همین تاروپودهای درم بافتی هستند که فرد همچون تیغ ظرفیت و پارگی، در آن تنیده شده است، بنا بر این نظریه «رشد طبیعی» که از طرف

«ژانژاکوینو» پیشنهاد شده، مردود است همچنین اگر صرفا، هدف قابلیت اجتماعی باشد، در عین اینکه ممکن است از نظر «اقتصادی و مدنی» افراد شایستگی تربیت شوند، لکن افرادی که صرفا برای اقتصاد و تمدن، تربیت شده‌اند ماضی پیش نیستند و در عین اینکه ممکن است از نظر معاشرت و حسن ظاهر شایستگی داشته باشند، از تضایل معنوی محروم هستند. باقی مینماید نظریه «بسط شخصیت».

نقص باین بنامیه که شخصیت را برخی به «مجموعه تضایلات، یعنی احساسات، افکار، عواطف و تمایلات» تعریف کرده‌اند (۱) و برخی هم شخصیت را «ترکیبی از خصیله یا صفات» دانسته‌اند و معتقدند که: «این خصیله یا صفات، مجزا عمل نمی‌کند، بلکه بجمرا با هماهنگی یکدیگر ظاهر میکنند» (۲)

این دو تعریف، چندان تفاوتی ندارند، روانشناسان معتقدند که دو دسته از عوامل: درونی و بیرونی در رشد و تکامل شخصیت مؤثرند، وضع انعام، استعداد، هوش و... از عوامل درونی هستند، خانواده، مدرسه و اجتماع، از عوامل بیرونی هستند، البته تکلیک این عوامل صحیح نیست، پس اگر مقصود از آموزش و پرورش را «بسط شخصیت»، بدانیم و تمام نیروی خود را در راه تأمین آن بسیج کنیم، بدون تردید، هر نظریه رشد طبیعی و هم نظریه قابلیت اجتماعی، تأمین میشود و علاوه بر انسانی جامع، کامل و منقل بار خواهد آمد، از اینرو «جلاز دیور» می‌نویسد:

«قابلیت اجتماعی با بسط شخصیت را اگر بمعنای رسمی بگیریم، یکسان میشوند و کسی که واقف بر زندگی اجتماعی قابلیت پیدا کند، شخصیت بزرگی بسط می‌آورد» (۳) تا تمام

- ۱- روانشناسی پرورشی دکتر سیاسی صفحه ۲۸۰
- ۲- روانشناسی رشد و پرورش کونگ «تکامل شخصیت»
- ۳- مقدمه‌ای بر فلسفه آموزش و پرورش فصل نهم

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از صفحه ۶۳

اما مسئله بسیار مهمی که چندین بار حضور حضرات مراجع بزرگ روحانی معروض شده، نیاز فریوان مسلمانان ساکن اطریش اتم از داخلی و خارجی که بی الحراقی بالغ بر چند هزار نفر هستند، به یک مبلغ و راهنمای آگاه اسلامی است.

در اطریش جیدالله موسا حدیثی اسلامی وجود دارد ولی متاسفانه گره‌اندگان آن موسسات بدلیل عدم شناخت کافی از اطلاعات اسلامی، بطور کافی قادر نیستند جوابگوی اشکالات و نیازهای دین‌مسلمین اطریش باشند.

اطمینان داریم تسدیع حامل از انجام تقاضاهای ما انگیزه مایل نخواهد شد چه آنکه تلاش به نور ایما خداوندی روشن گشت، حیات و معاش، نیاز و نیازش همه خاطر حق است.

والسلام علیکم ورحمته‌الله وبرکاته

بانتدب با احترام ... هشتاد و نهم

وین - ۲۸ تیر ۱۳۶۸